

از مهمان‌نوازی تا حق‌پناهندگی

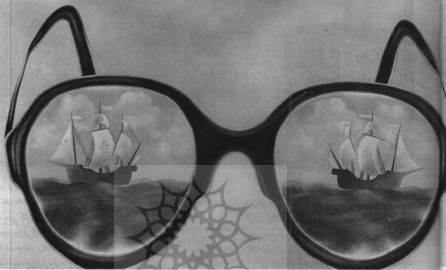
نوشته خوزه آگوستو سبیرا

از دوران یونان باستان، که گمان عمومی بر آن بود که مهمان‌حتی از لطف دائمی زئوس برخوردار است، پذیرایی گرم از مهمان و ویژه خارجی‌ان یک وظیفه مقدس بوده است. هومر در کتاب ایلیاد نشان داد که آزار و اذیت مهمان خلاف دین است.

سنت مقدس مهمان‌نوازی قرن‌ها پایدار بوده و تمدن‌های مختلف در آن سهیم بوده‌اند. از قرون وسطی به بعد، پسه زوکار مسیحی در کلیساها و صومعه‌ها جدا و غذا داده می‌شد و قرمان شیواله‌های مذهبی به ویژه بدین منظور صادر شد تا در طول دوران جنگ‌های صلیبی اطمینان حاصل شود که جان زوکاری که عازم بیت‌المقدس بودند در امان باشند. پس از ظهور اسلام نیز قرن‌ها پا زوکاری که عازم مکه بودند با احترام رفتار می‌شد. این مهربانی و عطف به زوکار در ادیان دیگر نیز می‌توان یافت و نشانه احترام و اخوتی است که حد و مرزی نمی‌شناسد.

با افزایش روزافزون مسافرت، مهمان‌نوازی، چه مذهبی و چه غیرمذهبی، توسعه یافت. اکتشاف سرزمین‌های جدید از طریق دریانوردی به مردم امکان داد تا بهتر یکدیگر را بشناسند و با سنت‌های مهمان‌نوازی متفاوت که عملاً از روح واحد الهام می‌گرفت آشنا شوند. این امر در آثار ادبی پر تعالی مانند لوسیالی نوشته لونی دوکانو که شعر حماسی بزرگی پیرامون دریانوردان پر تعالی است، و جهانگردی اثر فرنانو مندیس پینتو جهانگرد روشنفکری که ربع سفر به جهان شرق را به جان خرید و نوعی مهمان‌نوازی را تجربه کرد که غالباً در مقایسه با غرب به مراتب باصفا تر و خالص‌تر بود، به نحو زیبایی منعکس است. در جهان امروز فشرده از خارجی‌ان اهمیت ویژه یافته‌اند: نخبیدان سیاسی. هر چند این اشخاص در طول قرون و اعصار مورد توجه بشر در دوستان بوده‌اند. از ۱۹۲۸ که اعلامیه جهانی حقوق بشر به سراسر گیتی اعلام شد، شأن و حیثیت‌شان پیش از پیش مورد حمایت قرار گرفته است. در دوران انقلاب فرانسه، با دموکراسی اساسی ملت‌محورانه، خارجی‌ان و به ویژه آن‌هایی که برای آزادی مبارزه کرده بودند مورد استقبال فرانسویان قرار

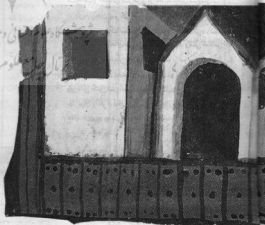




آس آکولوس دو آلوارو دو کامپوس
(۱۹۸۰، هفتک آلوارو)

دو کامپوس، به او نقاش پرتغالی
آنتونیو کوستاین هیرو، آلوارو
دو کامپوس نام یکی از چند شاعر
طیالی است که زندگی و آثارشان
توسط فرناندو پسر (۱۹۳۵) -
(۱۸۸۸) شاعر پرتغالی خلق گردید.

تاریخچه و مطالعات فرهنگی
تاریخچه و مطالعات فرهنگی



سرمیزی را می بینیم که به یک
صومعه بنا نهاده می شود. جزئیات
مربوط به آن در دستخطی از قرن
چهاردهم موجود است که در
کتابخانه مارچیا (مارچیا) در
می شود.



می گرفتند و از تمامی حقوق فردی و اجتماعی همچون یک تبعه فرانسوی بهره‌مند می‌شدند. در طول دو قرن گذشته این وظیفهٔ انسانی به سایر کشورها نیز گسترش یافته است. این نهاد اخلاقی که معجزاتی از سنت و تجربهٔ گریز است قویاً بر راه و رسم مردم پرتغال در استقبال و پذیرایی از خارجی‌ها تأثیر گذاشته است. در زمان‌های متفاوت و تحت حکومت‌های گوناگون، به ویژه در حکومت لیبرال و جمهوری، خارجیانی که به خاطر اعتقادات سیاسی و مذهبی‌شان به سرزمین پرتغال پناهنده شده‌اند با روح همدستی و سازگاری پرتغالی‌ها روبرو شده‌اند. استقبال قرار گرفته‌اند و این نوع رفتار نمونه‌ای است از طرز تفکر و تلقی مردم پرتغال از زندگی. مردم پرتغال پیوسته در سخنان خود را به روی هم‌پایان بازمی‌گذارند و صبر و نظر از اینکه مسلمان زائر، پناهنده، و یا یک مهمان ساده باشد. از شمال تا جنوب و از ساحل تا قلب کشور، همه از پذیرایی سخاوتمندانه و آبرومندانه از مهمان احساس شادی می‌کنند.

این طرز تفکر سنتی گذشته‌روسانه در قوانین اساسی ۱۷۷۶ جمهوری پرتغال که محصول نظام حکومتی دموکرات است که پس از انقلاب گل‌های میخک به بنیاد گذاشته شد تصریح شده است. مادهٔ ۱۵ تصریح می‌کند که خارجی‌ها و افراد قاعده‌هویت ملی از حقوق فردی و اجتماعی تبعه پرتغال برخوردار بوده و تعهدات فردی و اجتماعی اتباع این کشور را می‌پذیرند. به استثناء حقوق ملی ویژه‌ای که ممکن است طی موافقت‌نامه‌های دو جانبه یا پیمان‌نامه‌های بین‌المللی منحصر به اتباع کشورهای پرتغالی زبان باشد.

ماده ۳۳ قانون اساسی چنین اشعار می‌دارد: «به خارجی‌ها و افرادی که به خاطر فعالیت‌های آزادی‌خواهانه، مبارزه برای آزادی اجتماعی و ملی، برقراری صلح بین ملت‌ها و آزادی و حقوق بشر ملت خود را از دست داده‌اند حق پناهندگی داده شود»

این متن منابع قدیمی نشان ما را با آخرین دست‌آوردهای آزادی و دموکراسی به هم پیوند می‌دهد. تحمیل افکار و عقاید مخالف و احساس برادری از خصوصیه‌های مسلمان‌نوازی آزادی‌خواهان پرتغال است که خود در طول دوران سیاه دیکتاتوری و جنگ استعماری غالباً مزه تلخ زندگی در تبعید را چشیده و به ملت‌های مهربان پناهنده شده‌اند. وقتی کسانی که خود قبلاً به مثل دیگر پناهنده شده بودند از سوی مردم پرتغال به نمایندگی انتخاب شدند آزادی قلمی‌شان این بود که در اسناد زیربنایی کشورشان اصول مقدس مسلمان‌نوازی نسبت به خارجی‌ها و افراد قاعده‌هویت ملی را، به ویژه کسانی که به خاطر عقاید فردی و مذهبی‌شان مورد تعقیب حکومت‌های سلطه‌گر بوده‌اند بگنجاند.

فرناندو پسون آشار تبعیدی پرتغال که اکنون در پرتغال به کشورش بازگشته است می‌گوید: «ما هر جا که باشیم در غربتیم». باید بدانیم چگونه در هر جای دنیا بسا آغوش ساز از یکدیگر استقبال و پذیرایی کنیم. در آن صورت همچون زوار مذهبی بسا تبعیدیان سیاسی تمامی ادوار، می‌دانیم که هر جا برویم مشمول استقبال و مهمان‌نوازی قرار خواهیم گرفت.

ترجمه: حمزه پورانی

خوزه آگوستو سیرا، شاعر و ستاره‌نویس پرتغالی، اسناد نظریه‌های و ادبیات زبان پرتغالی در دانشگاه آویرو است. نامبردی که قبلاً عضو پارلمان و وزیر آموزش و پرورش پرتغال بود. اکنون به خوان سیرا کشورش در پرتغال خدمت می‌کند.